

## روش و آثار آموزش فلسفه بر تقویت مبانی در کودکان و آثار دین شناختی و روانشناختی آن

دکتر محسن زارعی جلیانی<sup>۱</sup>، محمود رحمانیان<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف مطالعه حاضر، روشن شدن جایگاه آموزش فلسفه به کودکان در تقویت تفکر و بهره‌گیری از آن در جهت تعمیق معارف دینی است. این تحقیق با روش توصیف و تحلیل کتب تفسیری، فلسفی، روانشناسی، اخلاقی، در زمینه آموزش فلسفه به کودک و مبانی فکری و دینی او صورت گرفته است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، آموزش فلسفه به کودکان مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی دارد. انسان با توانایی پرسشگری و شگفت‌زدگی به دنیا می‌آید. برنامه درسی فلسفه برای کودکان باید توسط آموزش و پرورش انجام گیرد و این آموزش از طریق سنتی نباشد و بر پایه استدلال آموزی در پایه‌های تحصیلی متناسب با تحول شناختی دانش‌آموزان و با استفاده از کتاب راهنمای معلم برای آموزش دهندگان باشد. روش‌های آموزش فلسفه به کودکان بر عبارت است از: پرورش تفکر منطقی و اهمیت دادن به تجارب فلسفی. آثار دین‌شناختی آموزش فلسفه به کودکان شامل تفکر مراقبتی، پیشگیری از تقلید کورکورانه، قضاوت‌نا به جا و تعصب. آثار روان‌شناختی آموزش فلسفه به کودکان شامل رشد قضاوتی اخلاقی، تقویت هوش هیجانی، پرورش مهارت اجتماعی و مهارت شهروندی، رشد توانایی استدلال و مهارت صحبت کردن می‌باشد.

**کلید واژگان:** آموزش فلسفه به کودک، آثار دین‌شناختی، آثار روان‌شناختی.

---

<sup>۱</sup> هیأت علمی دانشگاه اقلید

<sup>۲</sup> هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان rahmaniyan\_mahmiid@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

## **Method and effects of teaching philosophy on strengthening foundations in children and its theological and psychological impacts**

Dr. Mohsen Zarei Jaliani<sup>1</sup>, Mahmoud Rahmanian<sup>2</sup>

### **Abstract**

The present study aims to clarify the role of teaching philosophy to children in strengthening thinking and utilizing it to deepen religious knowledge. This research was conducted using descriptive and analytical methods, drawing on interpretive, philosophical, psychological, and ethical texts in the fields of teaching philosophy to children and their intellectual and religious foundations.

Based on the research findings, teaching philosophy to children has epistemological and axiological foundations. Humans are born with the ability to question and wonder. The curriculum for teaching philosophy to children should be implemented by the education system, avoiding traditional methods. Instead, it should be based on teaching reasoning at grade levels appropriate to students' cognitive development, using a teacher's guide for educators. The methods of teaching philosophy to children include fostering logical thinking and valuing philosophical experiences. The theological impacts of teaching philosophy to children encompass reflective thinking, prevention of blind imitation, unjust judgment, and prejudice. The psychological impacts include the growth of moral judgment, enhancement of emotional intelligence, development of social skills

---

<sup>1</sup> Faculty member of Eghlid University.

<sup>2</sup> Faculty member of Farhangian University rahmaniyan\_mahmiid@ymail.com

Received Date: 5/4/2025

Accepted Date: 26/4/2025

and citizenship competencies, and improvement of reasoning abilities and communication skills.

**Keywords:** Teaching philosophy to children, theological impacts, psychological impacts.

## مقدمه

بی شک بهترین زمانی که میتوان قوه ی تفکر را در فرد رشد داد، از کودکی است، چرا که کودکی که بتواند، از ابتدا بیندیشد و مسائل را به درستی تحلیل کند، القائات و فریب ها به راحتی در او رسوخ نمی کند، و نهال اندیشه در او مستحکم می شود. لذا از آن جا که فلسفه به معنای دانشی است، که از حقایق سؤال می کند و سبب تقویت قوای عقلانی انسان می شود، به همین جهت آموزش فلسفه به کودکان، برنامه ای است، که تفکر ورزی را در کودک رشد داده و آن را جهت می دهد؛ یعنی این قدرت را به کودک می دهد، تا خودش ببیند، بیندیشد، تحلیل کند و تصمیم بگیرد، نه آن که تنها تصمیمات و اندیشه های دیکته شده ی دیگران را به حافظه بسپارد و عیناً همانها را تحویل بدهد، چرا که تفکر و خردورزی سبب می شود، در محیط های مخالف و محیطهای فاسد، کودک این توان را بیابد، که نه تنها منحرف نشود، بلکه قدم در مسیر کمال بگذارد.

در کتاب احسانی ۱۳۹۳ اهداف، اصول و روش های تربیت عقلانی بر اساس معارف قرآنی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و این را بیان می کند که عقل با اهمیت فوق العاده اش زمانی می تواند، در مسیر فلسفه ی وجودی خود فعال باشد، که بر اساس معارف حق تربیت شده باشد، تا اسیر بعد حیوانی نشود، و اگر مردم از عقل خود به خوبی بهره ببرند و مسائل را ارزیابی کنند و با آن بسنجند، دچار اشتباه و خطا نمی شوند.

در کتاب هاشمی ۱۳۹۳ ماهیت و مفاهیم تفکر تبیین شده و جایگاه تفکر از دیدگاه اسلام و اندیشمندان بیان گردیده و مفهوم، هدف، روش ها و جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت تدوین شده و هدف نگارنده بر آن است، که با بررسی این اصول تفکر انتقادی را به عنوان هدف اساسی تعلیم و تربیت مورد توجه قرار دهد.

از آن جا که آموزش فقط یاد دادن علوم مختلف از قبیل ریاضی و... و تزریق اندیشه های افراد دیگر به کودک نیست، آموزش اندیشیدن اهمیت مییابد. بنابراین در امر آموزش این که به کودک یاد داد خودش ببیند، بیندیشد و تصمیم بگیرد حائز اهمیت است، چرا که در این صورت در شرایط مختلف می تواند با اطمینان گام برمیدارد، و دچار انحرافات فکری نگردد

و طبعاً مبانی دینی در او مستحکمتر می شود؛ چرا که کودکی که اندیشه ورز رشد کند، آنچه را که از باورهای دینی فرا میگیرد را به راحتی از دست نمی دهد. این تحقیق سعی دارد اهمیت و ابعاد آموزش فلسفه به کودکان و نقش آن در اعطای درک فعال و جست و جوگر به کودکان و تقویت خردورزی و مهارتهای تفکر و تقویت مبانی دینی کودکان را بررسی کند.

### روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و متناسب با روش های تحقیق در علوم اسلامی است. در فرآیند این تحقیق، مباحث مرتبط با آموزش فلسفه به کودک در کتب تفسیری، فلسفی، روانشناسی و اخلاقی و مقالات مربوطه ملاحظه شد. از طرفی متون مربوط به مبانی فکری و دینی کودک نیز بررسی گردید. سپس با روش قیاسی ارتباط بین این مفاهیم تحلیل و بررسی شد. استفاده از روایات معصومان علیهم السلام و آیات قرآن در این تحقیق با استفاده از روش های فهم حدیث و تفسیر قرآن صورت گرفته است.

### اهمیت آموزش فلسفه برای کودکان

موضوعات مورد بحث در برنامه فلسفه برای کودکان از همان مفاهیمی گرفته شده است که فلاسفه با آن درگیرند مانند بحث درباره ماهیت قانون، حقیقت، عدالت، خیر، مرگ، دوستی، زیبایی و ...<sup>۱</sup> که این دلیل لیپمن خطای روشی و مغالطه منطقی آشکاری دارد. زیرا مفاهیم یاد شده در دو گونه مسئله قابل اندراج هستند، مسائل فلسفی و مسائل غیر فلسفی. چنین نیست که هر سؤال در باب دوستی مسئله‌یی فلسفی باشد. بنابراین لیپمن دچار مغالطه « اخذ مالیس بعلّه علّه » شده است.

در این الگو، یک فعالیت منسجم فکری درباره ماهیت تفکر صورت می گیرد و مسلم است که این بحث در هیچ علمی جز فلسفه جای ندارد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> (لیپمن، مهرنیوز، ۲۰۰۳)

<sup>۲</sup> (لیپمن، ۱۹۹۵)

کودکان در این گفتگوها بطور خودکار یاد می‌گیرند که چگونه بین استدلالهای معتبر و غیر معتبر (منطق) و بین نظریه‌های شناختی تأیید شده و رد شده (معرفت شناسی) و بین شکل‌های مورد قبول و غیر قابل قبول قضاوت اخلاقی (اخلاق)، ملاکها و موازینی را بیابند. باین ترتیب کودکان فعالیتی منطقی و فلسفی (چه نظری و چه عملی) انجام می‌دهند. این استدلال نیز نتیجه‌ای جز تأکید بر مهارت تفکر منطقی ندارد.

وقتی آموزش استدلال و تفکر انتقادی از طریق فلسفه باشد فرد بزودی با اعتقاد ریشه دار، مفاهیم عمیق انتزاعی و ارزشهای محکم مواجه می‌شود<sup>۱</sup>. روشن است که همه عناصر یاد شده به مهارت تفکر منطقی در مواجهه با مسائل روزمره بر می‌گردد نه به مسائلی که ماهیت فلسفی دارد.

ماهیت فلسفه بر حسب شش مفهوم تبیین می‌شود: محتوای آزاد، عقلانیت، خردمندی، عملیاتی، کلیت و ساختار انتقادی (نفی نک چیارو). حال چون فلسفه برای کودکان با هر ۶ مفهوم سروکار دارد بدرستی فلسفه نامیده می‌شود.

### رویکرد آموزش فلسفه برای کودکان

روی آورد رایج در فلسفه برای کودکان، افزایش مهارت تفکر انتقادی و اثربخش کودکان را وجهه همت خود می‌داند. تسهیل تجارب فلسفی کودکان و ایجاد زمینه مساعد برای مواجهه آنان با رازها و نیازهای وجودی در تلفیق با افزایش مهارت تفکر منطقی، فلسفه برای کودکان را به اثر بخشی نزدیک و اطلاق فلسفه بر آنرا حقیقی می‌کند. تدوین الگوهای آموزشی در فلسفه برای کودکان با چنین رهیافت تلفیقی محتاج مطالعات میان رشته‌ای است.

یکی از مهمترین تلاش‌ها، ایجاد برنامه‌ای منسجم در آموزش تفکر فلسفه برای کودکان است که ماتیو لیپمن و همکارانش آن را تهیه کرده‌اند. این برنامه به منظور فراهم کردن

---

<sup>۱</sup> (لیپمن، ۱۹۹۳)

برنامه ای تحصیلی در زمینه کاوش فلسفی برای کودکان از سطح کودکان تا دانشگاه تهیه شده است و هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در حال اجرا است<sup>۱</sup>.

روشهای آموزش فلسفه به کودکان، که لیپمن و همکارانش مطرح کرده اند، بر رابطه نزدیک معلم و شاگرد و ایجاد انگیزه برای آغاز بحث و گفتوگو از طریق داستان، قطعه شعر، یا بیان واقعه ای، و امثال آن تأکید دارد. در این روش، به دانش آموزان فرصت داده میشود تا به تفکر بپردازند و سپس وارد گفتوگوهای گروهی شوند. این گفتوگوها باعث تفکر و تعمق بیشتر میشوند و میتوانند گروههای کاوشگر فلسفی را در مسائل گوناگون شکل دهند و مدرسه را به مکانی برای پژوهش و اندیشه ورزی تبدیل کنند. در این برنامه دانش آموزان به کاوشگرانی ماهر و جوان تبدیل میشوند. کاوشگر بودن مفهوم اصلی این الگوست و مراد از آن جستجوگری فعال بودن و پرسشگری مصر بودن و داشتن هشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات و آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله، تحلیل، و مطرح کردن فرضیه، تجربه، مشاهده، سنجش و امتحان است<sup>۲</sup>.

## فلسفه برای کودکان بمنزله تفکر منطقی

### روی آورد لیپمن

برغم تأکید لیپمن بر اینکه روی آورد وی در فلسفه برای کودکان، حقیقتاً فلسفه است، بدلائل فراوان می توان آنرا برنامه ای برای افزایش مهارت تفکر منطقی (تفکر انتقادی و خلاق) خواند. به برخی از این دلایل اشاره می کنیم.

یک برنامه لیپمن در اساس، نهضتی در آموزش و پرورش کودکان بوده است که در این برنامه دانش آموزان بجای بخاطر سپردن نتایج مطالعات دیگران، به این سمت سوق داده

---

<sup>۱</sup> (فیشر، ۱۳۸۸)

<sup>۲</sup> (قراملکی، ۱۳۸۴)

می‌شوند که خود در فرایند پژوهش، به علم دست یابند. پژوهش، فرایند پردازش اطلاعات برای تولید علم است.<sup>۱</sup>

مقوم اصلی برنامه لیپمن، تبدیل دانش آموزان به کاوشگرانی ماهر و جوان است. مراد از کاوشگر بودن، جستجوگر فعال و پرسشگر مَصّر بودن، هوشیاری دایمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات، آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله و تحلیل فرضیه‌ها، تجربه مشاهده، سنجش و امتحان است.<sup>۲</sup> بنابراین در برنامه لیپمن، کلاس درس به یک جامعه پژوهشگر، بمنظور کاوش مشترک<sup>۳</sup> تبدیل می‌شود و کودکان با کار گروهی مهارت تفکر منطقی خود را افزایش می‌دهند.

دو توجه به انگیزه لیپمن در ایجاد فلسفه برای کودکان، تصور وی را از آن نشان می‌دهد. از نظر وی عامل و ریشه عمده این وضعیت را در دوره کودکی و سنین ۱۱ تا ۱۲ سالگی باید جست. دانشجویان امروزی در دوران کودکی از حیث توانایی تفکر انتقادی<sup>۴</sup> و خلاق<sup>۵</sup> پرورش نیافته‌اند و به همین دلیل باید سبکهای آموزش دوره کودکی را متحول ساخته و سبک مبتنی بر حافظه را به سبکی مبتنی بر تفکر و پژوهش مبدل کرد. در مدارس باید به کودک قدرت مفهوم‌سازی، تحلیل مفهومی، استدلال، نقد و داوری را آموخت و به اختصار، باید مهارت تفکر منطقی کودکان را افزایش داد.

سه) در برنامه لیپمن، کودکان بطریق آموزش در عمل یاد می‌گیرند که در مقام داوری و قضاوت به ملاک سنجش نیاز دارند و رد و اثبات نظریه‌یی بدون دلیل، اخلاقی و مقبول

---

<sup>۱</sup> (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۴)

<sup>۲</sup> (لیپمن، ۱۹۹۳، ص ۶۸۲)

<sup>۳</sup> (نلر ترجمه قاندى و همکاران، ۱۳۷۹)

<sup>۴</sup> (لیپمن، ۱۹۹۳)

<sup>۵</sup> (هینس، به نقل از نوروزی، ۱۳۸۴)

نیست. بنابراین در رهیافت وی، تلاش فلسفه برای کودکان، معطوف به تربیت کودکان بصورت محققانی است که از توانایی اندیشه ورزی روشمند و اخلاق پژوهش گروهی برخوردارند.<sup>۱</sup> چهار فلسفه برای کودکان در رهیافت لیپمن، برنامه‌ای برای آموزش تفکر نقادانه و خلاق در درک ماهیت موضوعات فلسفی میان کودکان با تاکید بر سه محور خود اصلاحگری، داشتن حساسیت معقول نسبت به زمینه و داوری بر پایه اعتماد بر ملاکهاست.

### استحکام برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان

فلسفه برای کودکان، کاربردیت‌ترین گرایش فلسفه است که به نیاز مبرم و فراگیر جهانی پاسخ می‌دهد، بهمین دلیل مورد اقبال فراوان قرار گرفته است و استقبال عمومی از فلسفه برای کودکان، برنامه‌های آموزش آنرا رونق می‌دهد. اگر برنامه‌های آموزشی جنبه تجاری و یا تشریفاتی به خود گیرند و از حیث مبانی و فرایند عملیاتی استوار و متقن نباشد، نتایج ضد فلسفی به بار می‌آورند. بعنوان مثال، اگر مربی فلسفه برای کودکان خود از دانش و مهارت منطقی کافی برخوردار نباشد و خطاهای روشی و منطقی را باز نشناسد، در امر آموزش نه تنها موفق نخواهد بود بلکه بصورت نامشهود ناتوانی منطقی را انتقال خواهد داد.

دستیابی به فرایند عملیاتی بارور و برنامه‌های آموزشی کارآمد در فلسفه برای کودکان، در گرو مطالعات نظاممند و پژوهشهای روشمندی است که مسائل فراوان مبنایی و روشی را در این حوزه معرفتی پاسخ گوید. اخذ شیوه‌های مبتنی بر تجربه‌های شخصی مربیان و آزمون و خطاهای مداوم و تحلیل نشده در فلسفه برای کودکان، آسیب زا و زیانبار است.

### آموزش فلسفه برای کودکان از طریق داستان

لازمه رشد فکری، حضور ویژگی‌هایی نظیر باز بودن دریچه‌های فکری، گستردگی افق اندیشه، گشودگی فضای اندیشه و انعطاف پذیری است تا بر مبنای این خصوصیات، فرد توانایی بررسی اندیشه‌های گوناگون را در خود بیابد. برخی اندیشه‌ها نه تنها با یکدیگر تفاوت دارند، بلکه در تعارض با هم هستند. لذا داشتن ظرفیت تحمل شنیدن و یا آشنا شدن با آن

---

<sup>۱</sup> (قراملکی، ۱۳۸۴)

ها ضرورت دارد. اسمیت معتقد است، افراد دارای تفکر و مشرب فلسفی، دارای سه خصوصیت هستند: جامعیت، ژرفا و قابلیت انعطاف. لیپمن با در نظر گرفتن این خصایص تفکر فلسفی، در واقع محورهای اصلی آموختن فلسفه به کودکان را برای خود مشخص ساخته است.<sup>۱</sup>

برنامه فلسفه برای کودکان یکی از موفق ترین تلاش ها، در جهت آموزش تفکر است که از سطح کودکان تا دانشگاه تهیه شده است.<sup>۲</sup> لیپمن و همکارانش برنامه ای را تحت عنوان "برنامه ی فلسفه برای کودکان" طراحی و ارائه کردند.<sup>۳</sup>

اصطلاح فلسفه برای کودکان به طریقی بنا نهاده شده است که در کودکان یک تا سیزده سال سبب رشد قضاوت عقلانی و دقت زیاد می شود و به آنها کمک می کند تا آن دسته از تواناییهای که برای یک قضاوت صحیح در زندگی نیاز دارند را پرورش دهند.<sup>۴</sup>

پژوهشگران بیان می کنند که آموزش فلسفه به کودکان موجب رشد تفکر انتقادی، خلاقیت و مسئولانه کودکان می شود.<sup>۴</sup> کودکانی که در برنامه آموزش فلسفه شرکت کرده اند، در زمینه زبان و ادبیات از فعالیت های زبانی و کاربرد آن موفق تر بوده اند. این کودکان در درک و کاوشگری مسائل و مفاهیم بنیادی ریاضی بهتر عمل می کنند.<sup>۵</sup> تدریس با روش فلسفی، دانش آموزان را بر می انگیزد تا خلاقیت شان را در ریاضی پرورش دهند و تفکر انتقادی شان را بهبود ببخشند.<sup>۶</sup> همچنین چون این کودکان جهان اطراف را به دقت مشاهده می کنند و

---

<sup>۱</sup> (سبحانی، ۱۳۷۹)

<sup>۲</sup> (فیشر، ترجمه چوبینه، ۱۳۸۸)

<sup>۳</sup> (لیپمن، ۱۹۸۴)

<sup>۴</sup> (صفائی مقدم و همکاران، ۱۹۹۸)

<sup>۵</sup> (دونالدسون، ۱۹۸۵)

تمام تغییرات را زیر سوال می برند، در درس علوم نیز پیشرفت هایی دارند. با آموزش فلسفه احساسات و عواطف و خلاقیت این کودکان نیز رشد می کند و درس هنر نیز موفق تر هستند<sup>۱</sup>.

برای انجام برنامه فلسفه برای کودکان، کتاب های داستانی ویژه کودکان تالیف شده است؛ از جمله آنها می توان به آثار فیلیپ کم اشاره کرد. وی استاد فلسفه در دانشگاه نیو وست ویلز سیدنی است که تالیفاتی تحت عنوان داستان های فکری ۱ و ۲ (کندوکاو فلسفی برای کودکان) دارد، نتایج تحقیقات نشان می دهد دانش آموزانی که از داستان های فلسفی فیلیپ کم استفاده کرده اند برای خود و برای یادگیری خود ارزش قائل هستند و دارای اعتماد به نفس بهتری هستند و در کلاس پرس و جو می کنند و تعامل مناسبی دارند.

همچنین لیپمن معتقد است نظام آموزشی باید با آموزش تفکر انتقادی، قدرت قضاوت به کودکان بدهد، داستان را ابزار مناسبی برای آموزش تفکر فلسفی می داند. در این رویکرد، مراد داستان هایی است که با چالش های فکری در مورد حوادث، پیامدهای آنان و عوامل علت و معلولی ماجراها، کودکان را به تفکر واداراد. با توجه به ارزش و اهمیت داستان ها در گسترش تفکر فلسفی در کودکان، در این پژوهش آنها به عنوان ابزاری که می توانند تفکر فلسفی را در کودکان پرورش دهند در نظر گرفته می شوند.

طبق تحقیقاتی متفاوتی که در ایران و خارج از کشور در مورد تفکر فلسفی کودک با کمک گرفتن از داستان های فلسفی، انجام گرفته است، به این نتیجه رسیده اند که دانش آموزان بعد از اتمام دوره، رشد قابل محسوسی از لحاظ فکری داشته اند<sup>۲</sup>. مثلاً نایلر هفته ای دوبار چند بار برای دانش آموزان ساکت، کلاس گذاشت تا دیگر دانش آموزان مشارکت داشته باشند، بعد از اتمام دوره، وی نتیجه گیری می کند که کودکان قادرند بدون پرخاشگری و با اعتماد به نفس در مورد نظرات یکدیگر بحث نمایند و حس همکاری و همدلی بیشتری در آنها مشاهده می شوند. نتایج تحقیقی دیگری در انگلستان نشان می دهد که پروژه نگرش

---

<sup>۱</sup> (فیشر، ۲۰۰۳)

<sup>۲</sup> (زارع و همکاران ۱۳۹۱)

فلسوفانه که در مدارس ابتدایی ارائه شده است، یکی از بهترین راه کارهایی است که معلمان می توانند به ارزش کارشان در آموزش بیفزایند. این کار از طریق گنجاندن بحث فلسفه به کودکان از طریق رویکردی بنام داستان هایی برای تفکر اجرایی می شود<sup>۱</sup>

## آثار روان شناختی آموزش فلسفه به کودکان

فلسفه برای کودکان، به عنوان برنامه ای برای نوآوری درسی به منظور بهسازی مهارتهای استدلال و از این طریق، پرورش عناصر شناختی عملکرد تحصیلی ابداع شد. همچنین مربیان بسیاری از کشورهای جهان از آن نه تنها به منظور افزایش استانداردهای تحصیلی به کمک پرورش تفکر و استدلال، بلکه به منزله ی روشی برای بهسازی ارزشهای اخلاقی، اجتماعی و مخصوص دموکراتیک استقبال می کنند. از این رو فلسفه در کلاس درس را، می توان از ابعاد مختلف که به بسیاری از اهداف عقلانی، اخلاقی و اجتماعی آموزش و پرورش مربوط می شود، ارزیابی کرد<sup>۲</sup>.

از جمله، نتایج کاربردی فلسفه برای کودکان می توان به موارد زیر، اشاره نمود:

## رشد قضاوت اخلاقی

مان گریگوری در مقاله ی خود(فلسفه و برنامه فلسفه برای کودکان) می نویسد:

گر چه رویکرد برخی از والدین و مدارس، دیکته کردن مجموعه ای از ارزشهای تجویز شده، برای کودکان است. اما به همان اندازه نیز مهم است، که یاد بگیرند، چگونه داوری های اخلاقی صحیح، درباره ی خود، انجام دهند. در فلسفه ی اخلاق، صرفاً این مهم نیست که، کودکان پاسخ های صحیح را بدانند، بلکه باید بفهمند، چرا آن پاسخ صحیح است. و چگونگی

<sup>۱</sup> (فیشر، ۲۰۰۳).

<sup>۲</sup> - رابرت، فیشر، آموزش تفکر، ص ۱۶۴.

رسیدن به این پاسخ های صحیح را، دریابند. هدف، بهتر انجام دادن داوری های اخلاقی صحیح است. فلسفه برای کودکان این هدف را با درگیر ساختن بچه ها، در فرایند پژوهشی و اخلاقی مستمر انجام می دهد<sup>۱</sup>.

### مهارت هوش هیجانی

هوش هیجانی، به مجموعه ای از، توانایی های اطلاق می شود، که پردازش اطلاعات درباره ی هیجان های فرد و دیگران را، امکان پذیر می کند، موجب افزایش میزان اعتماد به نفس و شجاعت می شود و در رویدادهای استرس زا، همچون مواجهه با حوادث ناخوشایند زندگی و مشکلات خانوادگی، نقش تعدیل کننده ایفا می کند<sup>۲</sup>.

این مهارت در حلقه ی کندوکاو تقویت می شود به این صورت که بحث موضوعات اجتماعی در گروه پژوهشی، آگاهی افراد را از خودشان، به عنوان افراد منحصر به فرد، از نیازهایشان و نیز از نیازهای دیگران افزایش می دهد. این افزایش خودآگاهی، همراه با آگاهی از دیگران، هسته ی مرکزی چیزی که، فلسفه پرورش می دهد. یعنی نقطه ی کانونی پرورش خرد است. ضمن اینکه هسته ی مرکزی هوش هیجانی نیز هست. به نظر دنیل گلن<sup>۳</sup>، هوش بر دو نوع است: هوش عقلانی و هوش هیجانی. رفتار ما متأثر از هر دوی این هاست. در واقع تعقل انسان، بدون هوش هیجانی نمی تواند، به نحو احسن فعالیت کند<sup>۴</sup>.

### پرورش مهارت های اجتماعی

در تعاملات اجتماعی کسانی موفق ترند، که بتوانند احساسات دیگران را درک کنند. آنان که می دانند، برادر و خواهر و دوست و پدر و همسایه و هم کلاسیشان، از گفتار و رفتار آنان،

---

<sup>۱</sup> - سعید، ناجی، صص ۱۵۳-۱۵۲.

<sup>۲</sup> - رضایپور و همکاران صص ۱۵-۱۴.

<sup>۳</sup> - Daniel goleman

<sup>۴</sup> - رابرت، فیشر، آموزش تفکر، صص ۲۱۳.

چه حسی پیدا می کنند، در تنظیم روابط خود با آنها، دچار مشکل نمی شوند. بهترین راه درک احساسات دیگران از سخن و عمل ما، این است که، ببینیم اگر جای آنها بودیم؛ از آن سخن و عمل چه احساسی پیدا می کردیم. اگر ما از یک حرف و یک رفتار می رنجیم، بدانیم که دیگران نیز از آن حرف و رفتار می رنجند<sup>۱</sup>. که سخن گهر بار امام علی (علیهالسلام) آن را به نحو کامل بیان کرده است.

يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا : ای فرزند عزیز، نفس خویش را میزانی بین خود و بین دیگران قرار ده،

پس برای دیگران دوست بدار آن چه را که برای خودت دوست می داری، و خوش ندار برای دیگران، و آنچه را برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند<sup>۲</sup>.

### توانایی استدلال

درگیر کردن کودکان با فلسفه، فواید متعددی برای آنها، دارد. در طی یک پژوهش فلسفی، کودکان می توانند در سطح خودشان عمل کنند. و از طریق بحث، توانایی برای تفکر و استدلال با دیگران را رشد دهند. و این مسئله، به ساخته شدن عزت نفس و اعتماد به نفس کودکان کمک می کند. به طوریکه همه ی آنان، می توانند به احساس مو فقیه دست یابند<sup>۳</sup>. از اینروست که حلقه ی کندوکاو فلسفی که در کلاسها تشکیل می شود، به دنبال فرصتی است که، دانش آموزان را، به واسطه ی تمرین های مداوم داوری کردن، به سمت مستدل بودن، بکشاند<sup>۴</sup>.

---

۱ - حیدری ابهری ص ۷۶.

۲ - نهج البلاغه، مترجم: محمد، دشتی، نامه ۳۱، ص ۳۷۵.

۳ - بریس، گات، مورا، گات، فلسفه برای کودکان خردسال و راهنمای عملی، ص ۲.

۴ - سعید، ناجی، ص ۱۱۴.

توانایی استدلال، کودک را از جمودگرایی و تعصب بی جا دور می کند و بر آن می دارد، که خوب کاوش کند، و جوانب کار را در نظر بگیرد. و چه بسا با دلایلی که می آورد، خودش به درستی و نادرستی عقیده و نظری که دارد، پی ببرد. و اگر اشتباه بود، از آن صرف نظر کند و اگر درست و منطقی باشد، از آن دفاع کند. و این، احساس رضایت بیشتری را به کودک، تزریق می کند. و موفقیت‌های بیشتری را برای او رقم خواهد زد. چرا که استدلال، به دنبال کشف افکار کلی و روابط منطقی بین پدیده هاست. استدلال بیان دلیل است، دلیلی برای ثابت کردن یک مفهوم یا یک نظریه<sup>۱</sup>. در تحقیقاتی که توسط لیپمن و همکارانش به عمل آمده است، مشخص شده، در ۸۱ درصد موارد نقایص مربوط به استدلال در کودکان، با آموزش فلسفه کاربردی (مجموعه ی داستانهای فلسفی) برطرف شده است<sup>۲</sup>.

## آثار دین شناختی آموزش فلسفه به کودکان

### تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی تفکری است همراه با عواطف و احساسات و تفکری که، با تمایلات اخلاقی همراه است. و یک مهارت عملی محسوب می شود. کسی که، دارای مهارت تفکر مراقبتی و دلسوزانه باشد. به دیدگاه ها، نظرات ارزشهای دیگران توجه می کند. پس قدرت تحمل اندیشه های مخالف و تعارض ها را، با خویش دارد و از آنها به بهترین نحو، بهره می گیرد. از بودن در کنار دیگران و گفت و گو با آنها، لذت می برد. و چالشها و اصطکاک های اندیشه ها و رفتارها به آسیب نمی زند. پس می تواند بهتر، به حل مشکلات پیش روی خود، در عرصه های مختلف زندگی، اعم از شغلی و تحصیلی و... برآید.

---

۱- احمد، سلحشور، انواع تفکر، ص ۲۱۱.

۲- قبادیان و تجلی نیا ص ۳۹.

## ویژگی های فردی

از آنجا که آموزش فلسفه به کودکان، به معنای آموزش تفکر است، نه تحمیل اندیشه ها. وجود برخی ویژگیها در افراد و شخصیت و رفتارشان، مانع از رشد و شکوفایی این برنامه می گردد. که بایستی در جهت رفع آنها گام برداشت. برخی از این موارد عبارتند از:

## تقلید کورکورانه

تقلید کورکورانه از افکار و آراء دیگران، مانع از شکوفایی و تعالی عقل در افراد می شود. هنگامی که افراد، بدون بهره گیری از نیروی خرد، و بدون آنکه خود قدم در راه کشف حقایق بردارند، صرفاً از دیگران تبعیت و تقلید نمایند، نور عقل در وجود آنها ضعیف شده و از تکامل باز می مانند<sup>۱</sup>.

پس باید از آن اجتناب کرد. در تعلیم و تربیت، نیست باید به جای پذیرش امور از طریق تقلید، دانش آموز را با اهمیت و ارزش ویژه ی تعقل آشنا کرد. آشنا کردن آنها با علل و چرایی و روش نقد آرا و اندیشه ها، کمک شایانی در این راه می کند<sup>۲</sup>. قرآن کریم، تقلید کورکورانه را نکوهش می کند: «...إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مَّقْتَدُونَ؛ ما پدرانمان را در آیینی یافتیم و مسلماً ما هم با پیروی از آثارشان ره یافته ایم<sup>۳</sup>».

آیه این نکته را بیان می کند که درحقیقت آنها دلیلی جز تقلید کورکورانه، از پدران و نیاکان خود نداشتند. و عجب اینکه، خود را با این تقلید، هدایت یافته می پنداشتند. در حالیکه، در مسائل اعتقادی و زیربنایی بهترین، هیچ انسان فهمیده و آزاده ای، نمی تواند متکی بر تقلید باشد. آن هم به صورت تقلید جاهل از جاهل. چرا که میدانیم، نیاکان آنها نیز،

---

<sup>۱</sup> - رضا، نظریور، ص ۱۳۱.

<sup>۲</sup> - ایمانی، ص ۲۳۳.

<sup>۳</sup> - سوره زخرف (۴۳) آیه ۲۳.

هیچ علم و دانشی نداشتند، ومغزهای آنها مملو از خرافات و اوهام بود. و جهل حاکم بر افکار و اجتماعشان<sup>۱</sup>.

پس با کنار گذاشتن تقلید کورکورانه از دیگران، میتوان زمینه ی آموزش فلسفه به کودکان را فراهم ساخت.

### ترس از قضاوت های نابجای دیگران

نگرانی از قضاوت شدن توسط دیگران، گاه، مانع ابراز عقاید و نظریات فرد می شود. و فرد ترجیح می دهد، که نظریات خود را بیان نکند، تا طعم سرزنش را نیز نچشد. قضاوتهای نابجای دیگران، گاه باعث رها کردن اندیشه های درست توسط فرد می شود. یعنی علیرغم اعتقادی که بر صحت اندیشه دارد، انسان گاه آن را در جهت آزاد شدن از فشار های قضاوت دیگران مطرود می دارد. تعلیم و تربیت باید قوه ی قضاوت صحیح را، رشد دهد. تا هم تربیت شدگان جامعه درست قضاوت کنند، و هم در برخورد با قضاوت های غلط، آن را بشناسند و تحت تأثیر آن قرار نگیرد. چرا که قضاوت مردم، و ارزیابی مردم از انسان، نباید ملاک کار و اندیشه وی قرار بگیرد<sup>۲</sup>.

### پیروی از روش اکثریت

گاه فرد در اجتماع تحت تأثیر یک نفر قرار نمی گیرد؛ اما به دلیل جو و شرایطی که وجود دارد، ترجیح می دهد، هم‌رنگ جماعت باشد و خلاف جهت آب حرکت نکند. ولی کثرت پیروان یک اندیشه همیشه دلیل بر صحت و درستی آن اندیشه نیست. و ممکن است، افراد زیادی در اندیشه، دچار انحراف باشند. و این هیبت زیادی پیروان یک اندیشه ی منحرف،

---

<sup>۱</sup> - ناصر، مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۱، صص ۳۶-۳۵.

<sup>۲</sup> - مرتضی، مطهری، تعلیم و تربیت در پرتو کلام استاد مطهری، ص ۲۱.

موجب بازداشتن فرد از اندیشه ناب و صحیح شود و یا اینکه موجب می شود، فرد در اندیشه خود تردید کند. و یا آن را با وجود علم به صحت آن رها کند؛ و یا اصلاً به خود زحمت و مجال تفکر را ندهد و این فرصت با ارزش را از خود سلب کند.

قرآن کریم در این باره میفرماید: «وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...؛ اگر از بیشتر مردم روی زمین، پیروی کنی (و آراء و خواسته‌هایشان را گردن نهی) تو را از راه خط گمراه می‌کنند.<sup>۱</sup>»

برخلاف آنچه در نظر بعضی مسلم است، که اکثریت‌های عددی، همواره، راه صحیح را می‌پیماند. قرآن در آیات متعددی، این موضوع را، نفی کرده، و برای اکثریت عددی، اهمیتی قائل نیست؛ و در حقیقت مقیاس راه اکثریت کیفی می‌داند.<sup>۲</sup>

پیروی از روش اکثریت، در بسیاری از موارد، باعث بی‌توجهی و عدم تأمل در عقلانی بودن عمل و یا حقانیت آن می‌شود. به نحوی که که فرد، وقتی به جمعی نگاه کند که حرکت غلط در پیش گرفته است، حتی گاه، در مقابل ارشادها، نیز مقاومت می‌کند، پیروی از جمع، تا حدود زیادی باعث قوت قلب انسان می‌شود و عدم آن موجب وحشت می‌شود و یا اینکه فرد مورد تمسخر دیگران قرار گیرد.<sup>۳</sup>

## تعصب در تفکر

انسان یک نوعی تعصب نسبت به دانشها و روشهای موجود حل مسأله وجود دارد، که سبب می‌شود، به محض اینکه با مسائل جدید روبرو شویم، برای حل آنها از همان روشهای قبلی استفاده شود.<sup>۴</sup> که این اندیشه را بن بست می‌رساند. مثلاً وقتی که تمایل و گرایش فرد

۱ - سوره انعام (۶) آیه ۱۱۶.

۲ - ناصر، مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۱۵.

۳ - ایمانی، ص ۲۳۴.

۴ - احمد، سلحشور، انواع تفکر، صص ۱۵۵-۱۵۴.

باورها و یا فرضیه های خود را بدون هیچگونه بررسی و توجه به باورها و فرضیات دیگران تأیید می کند<sup>۱</sup>.

همه ی این موارد و موارد بسیار دیگر، مانع از بروز تفکر روان و جاری در افراد می شود. و از آسیب های پیشروی آموزش فلسفه به کودکان محسوب می شود.

### نتیجه

اسلام دین تفکر و آگاهی است، چنانچه این دو از مفاهیم والا و با ارزش در فرهنگ ما محسوب می شوند. تفکر و اندیشیدن یکی از نعمت های مهم و موثر در اوج گیری و پیشرفته دنیوی و اخروی آدمیان است. امروزه با وجود جریان عظیم انحرافات که توسط دشمنان سازماندهی می شود و ابتدا افکار را هدف قرار می دهد، و قصد بهره کشی از سرمایه ی عظیم جوانی در جهت منابع آلوده شیطانی خود دارند، تقویت و تعلیم اندیشه ضرورتی خاص می یابد. چرا که جوان فاقد اندیشه ی محکم و درست، زودتر تحت تاثیر قرار می گیرد، و چه بسا زودتر فاسد خواهد شد. فلسفه به معنای پرورش تفکر، و آموزش فلسفه به کودکان به معنای فلسفه ورزی و بهره گیری از روش فلاسفه سعی دارد، از همان ابتدای کودکی به فرد کمک کند، تا خودش در مسیر پرتلاطم حق و ناحق گام بردارد. و حقایق را باز شناسد. برنامه ی آموزش فلسفه برای کودکان با تمرینات عملی از طریق بحث و گفت و گو در حلقه های کندوکار فلسفی سعی در برآوردن این مهم دارد. این برنامه مهارتهای تفکر و استدلال را در کودک رشد داده، و موجب می شود، فرد مسائل پیرامونی خود را بهتر تجزیه و تحلیل کند. و مسلماً مبانی دینی درچنین فردی بهتر تقویت می شود، و کمتر گرفتار شبهات خواهد شد.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۵۵.

## References

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای
- نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین، مترجم: محمد دشتی، قم، نشتا، ۱۳۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- هینس، جوانا، بچه های فیلسوف (یادگیری از طریق کاوشگری و گفت وگو در مدارس)، مترجمان: عبدالرسول، جمشیدیان، رضا، علی نوروزی، مهرنا، مهرابی کوشکی، قم، سما، ۱۳۸۳.
- نلر، جورج، انسان شناسی تربیتی، مترجم: محمد رضا آهنچیان؛ یحیی قائدی، تهران، آبیژ، ۱۳۷۹.
- جعفر، سبحانی تبریزی، رسالت حوزه در پاسخ به شبهات، درسهایی از مکتب اسلام، تیر، ۱۳۷۹، سال چهارم، ش ۴.
- احسانی، محمد، تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- سید حسن هاشمی، ۹۵/۴/۲۵، [www.pasokhgoo.ir](http://www.pasokhgoo.ir)
- فیشنر، رابرت؛ ویلیامز، مری، شکوفاسازی خلاقیت، مترجم: ناتالی، چوبینه، تهران، پیک بهار، ۱۳۸۸.
- قربانی و قراملکی، فلسفه، خودشناسی و شخصیت در دانش آموزان و دبیران دبیرستانهای ایران، ۱۳۸۴
- منصور، مرعشی؛ مسعود، صفایی مقدم؛ پروین، خزامی، بررسی تأثیر اجرای برنامه ی آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز، تفکر و کودک، ۱۳۸۹، سال اول، ش ۱
- غفاریان پناهی، علی، محمد کافی زارع وعادل احمدیان، فلسفه کودک، مشهد، خاطره، ۱۳۹۱.

- بریس، گات؛ موراک، گات، فلسفه برای کودکان خردسال و راهنمای عملی، دانشگاه آزاد اسلامی (اراک)، انتشارات علمی، ۱۳۹۴
- سعید، ناجی، کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت و گو با پیشگامان انقلابی نو در تعلیم و تربیت)، ج ۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹
- یوسف، رضاپور و دیگران، نقش هوش هیجانی و معنوی در تبیین حالتهای هیجانی منفی، روانشناسی دین، ۱۳۹۴، ش ۳۱، سال ششم،
- غلامرضا، حیدری ابهری، فکر کودک، فلسفه؛ آغازی برای پرورش نظر کودکان، نشر جمال ۱۳۹۸
- احمد، سلحشور، انواع تفکر، ناشر: دانشگاه بوعلی سینا ۱۳۹۰
- مسلم، قبادیان؛ امیر، تجلی نیا، فلسفه ورزی در کودکان (آموزش تفکر به کودکان)، نشر شاپور درخواست، ۱۳۹۳
- رضا، نظرپور، عقل و تعقل در اندیشه ی امام خمینی در تقابل با خرافه و تخریب، تهران، عروج، ۱۳۹۱،
- محسن، ایمانی، تربیت عقلانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸

- Donaldson, Margaret. (1978). Child's Minds. London Fontana .
- Lipman, M (1995). "Moral Education higher-order Thinking and OPhilosophy for children", Early child Development and care, vol, 107.
- Lipman, M (1993). Thinking children and Education. Kendal/Hunt publishing company.
- Lipman, M (1984). "The cultivation of Reasoning through philosophy" Educational Leadership. Vol. 42. No, 9.